

بررسی رمزگان ارجاعی و فرهنگی در آموزه‌های اخلاقی منظومه لیلی و مجنون نظامی بر اساس مبانی نظریه رمزگان‌ها از رولان بارت

فاطمه هادی خواه^۱، دکتر هوشمند اسفندیارپور*^۲، دکتر پوران یوسفی پور کرمانی^۳
 ۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بردسیر، دانشگاه آزاد اسلامی، بردسیر، ایران.
 ۲. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بردسیر، دانشگاه آزاد اسلامی، بردسیر، ایران.
 ۳. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد انار، دانشگاه آزاد اسلامی، انار، ایران.
 (تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۳۰)

چکیده

زمینه: لیلی و مجنون نظامی یکی از متون برجسته در گستره ادب فارسی است که به علاوه بر موضوعات عاشقانه و شخصی به مفاهیم اخلاقی و تعلیمی هم می‌پردازد. شاعر گاهی با سنت‌شکنی‌های آگاهانه، کلام خود را پیچیده و دیرپاب کرده و رمزهایی را در لایه‌های زیرین شعر گنجانیده است که مخاطب جزئی‌نگر را به سوی معنا رهنمایی می‌کند. در دوران معاصر، علم نشانه‌شناسی به عنوان روشی برای تحلیل ابعاد جدیدی از یک اثر به کار می‌رود و یکی از متغیرهای مهم آن، رمزگان نام دارد. رولان بارت، پژوهش‌هایی را در این باره انجام داده و رمزگان را به پنج نوع کنشی، هرمنوتیکی، نمادین، معنایی و فرهنگی تقسیم کرده و برای هر کدام کارکردی را شرح داده است. در مقاله حاضر، با استناد به منابع کتابخانه‌ای و روش تفسیری از نوع کیفی، موضوعات اخلاقی در لیلی و مجنون بر اساس رمزگان ارجاعی و فرهنگی کاویده شده است تا اهداف انسان‌ساز نظامی از بازگویی این اندرزاها کاویده شود.

نتیجه‌گیری: نتایج کلی تحقیق نشان می‌دهد که در سطح رمزگان فرهنگی، ایدئولوژی و بینامتنیت دینی و عرفانی برای تبیین آموزه‌ها نمودی فراگیر و ملموس دارد. نویسنده با استناد به دو منبع اصلی و مهم اسلامی و صوفیانه، موضوعات مورد نظر خود را در اختیار مخاطبان قرار داده است. مهم‌ترین آموزه‌های اخلاقی این اثر عبارتند از: سفارش به عشق‌ورزی و بازگفت شاخصه‌های عشق حقیقی؛ ستایش حق تعالی و توسل به او؛ توصیه به شادباشی و غنیمت‌شماری لحظه‌ها؛ هدفمند بودن آفرینش؛ اهمیت وفاداری و لزوم حفظ پیمان؛ صبر و بردباری.

کلیدواژگان: نظامی گنجوی، لیلی و مجنون، اخلاق، رولان بارت، رمزگان ارجاعی و فرهنگی

سر آغاز

نظامی با بهره‌گیری از مبانی فرهنگی و تأثیرپذیری از دو منبع اصلی ایرانی و اسلامی به مسائل گوناگون انسان‌ساز پرداخته و مجموعه‌ای دقیق و کمال‌بخش از دغدغه‌های گوناگون فردی و اجتماعی را شرح داده است. اگرچه سخن نظامی در غالب بخش‌های لیلی و مجنون ساده و زودپاب به نظر می‌رسد، اما در مواردی، نیاز به تحلیل و تفسیر دارد. به عبارت دیگر، بسیاری از توصیه‌های اخلاقی شاعر به دلیل برخورداری از نظام‌های دلالتی چندلایه و رمزگان‌های متعدد، از این ظرفیت برخوردارند که بر اساس مبانی نشانه‌شناسی بررسی شوند. نشانه‌شناسی^۴ از روش‌هایی است که در سال‌های گذشته برای بازخوانی و کاویدن متون گوناگون مورد استفاده قرار می‌گیرد. در میان نظریه‌پردازانی که در دهه‌های اخیر به رشد دانش نشانه‌شناسی کمک‌های شایانی کرده‌اند، رولان بارت چهره‌ای مطرح و برجسته است.

لیلی و مجنون نظامی گنجوی یکی از مهم‌ترین متون کلاسیک به زبان فارسی است. (۱) انگیزه شاعر برای سرایش این منظومه، بازنمایی مناسبات و پیوندهای بینافردی^۱ دو عاشق و معشوق در فرهنگ عرب بادیه‌نشین بوده است. در عین حال، نظامی از پرداختن به موضوعات اخلاقی و تعلیمی غافل نشده و مجموعه‌ای از مؤلفه‌های اندرزی را جهت رسیدن به زندگی مطلوب و شخصیتی خودشکوفابازنمایی کرده است. (۲) او بسیاری از آموزه‌ها را در لفافه و در اثنای ماجراهای عاشقانه مطرح کرده و گاهی با ایجاد تعقید در تبیین برخی مفاهیم بر غنای فکری^۲ مخاطبان و تقویت محتوایی^۳ اثر خود افزوده است. در شماری از بخش‌های این منظومه، نظام مشخصی از نشانه‌ها منعکس شده که در انتقال معانی مختلف به مخاطب تأثیری مستقیم داشته است.

امکان پذیر می‌شود. (۷) یکی از جنبه‌هایی که می‌توان برای رمزگان‌ها در نظر گرفت، بُعد اجتماعی است که به آن ماهیتی تاریخی می‌بخشد. این رمزگان‌ها به صورت ناهمگون در لایه‌های مختلف اجتماع پراکنده شده‌اند و هر جامعه با عنایت به رمزگان‌های گوناگون، به گروه‌های اجتماعی مختلفی تقسیم می‌شود و لایه‌های عام و جهانی تا سطوح بسیار ویژه را دربر می‌گیرد. (۸)

موضوع دیگری که در ارتباط با رمزگان‌های ارجاعی باید در نظر داشت، میان‌متنیت^{۱۰} است. از دید بارت، «از آنجا که هر متنی، میان‌متن متنی دیگر است، به ساحت میان‌متن تعلق دارد ... [و] جستجو برای کشف منابع اثر یا عواملی که در خلق آن مؤثر بوده‌اند، ناشی از اعتقاد به انشعاب و اسناد است». (۹) در نتیجه، نباید برای هیچ متنی، نوآوری و خلاقیت محض را در نظر گرفت؛ زیرا افزون بر نشانه‌های آشکار و پنهان از متون دیگر، ارجاع به مصداق‌هایی از فرهنگ خودی یا مظاهر فرهنگ‌های دیگر در متن تولیدی هویداست. در این رمزگان، دلالت‌های فرهنگی مورد توجه قرار می‌گیرند. دلالت‌هایی که کیفیتی ویژه به معرفت کلی از شرایط فرهنگی و ایدئولوژیکی اثر خلق شده می‌بخشد. این رمزگان معمولاً در قالب حقایق علمی، امثال و حکم و صور قالبی مختلف ادراک - که به واقعیت‌های زندگی آدمی مربوط می‌شوند - نمود پیدا می‌کنند. (۱۰) در نگاه بارت، این رمزگان‌ها از قابلیت‌های لازم برای بررسی و کاویدن یک متن روایی برخوردار هستند. از این رو، می‌توان این پنج رمزگان را از نوع روایی دانست.

نظامی در منظومه لیلی و مجنون به مباحث اخلاقی می‌پردازد و با این رویکرد، سطح داستان عاشقانه میان دو نفر را ارتقا می‌بخشد و رویکردهای انسان‌ساز بسیاری را شرح می‌دهد. آنچه مبرهن است اینکه او را باید حکیمی برجسته دانست که در علوم اسلامی مطالعاتی داشته و در بازنمایی دیدگاه‌های کلامی خود از آموزه‌های اشعری تأثیری پذیرفته است. (۱۱) همچنین، «حکیم بزرگوار گنجه ... در زندگی عملی تمایل شدیدی به تصوف داشته و بیشتر دوران زندگی خود را در انزوا و گوشه‌گیری گذرانیده است». (۱۲) بر اساس مبانی این دو منبع فکری، او تلاش می‌کند با نگاهی جدید به پیوندهای عاطفی میان مجنون و لیلی، مفاهیم شناختی و اندرزی متنوعی را به صورت رمزگان‌های ساده یا دشوار شرح دهد و ضمن افزودن بر غنای اثر خود، بر درک و بینش مخاطبان هم بیفزاید.

سفارش به عشق‌ورزی و بازگفت شاخصه‌های عشق حقیقی

عشق معجونی برای دور شدن از هوس است. نظامی نگاهی مقدس‌گونه به عشق دارد و آن را پدیده‌ای ورای امیال انسانی می‌داند. این نگاه شاعر را باید برآمده از مبانی عرفان و تصوف اسلامی دانست. (۱۳) بنابراین، عشق راستین با مجموعه‌ای از کنش‌های اخلاقی گره خورده است. از دید نظامی، باید میان عشق حقیقی و مجازی تمایز قائل شد. عشقی که در آن جاودانگی نباشد، بی‌تردید میل و هوس جوانی است. شاعر، عامل متمایزکننده عشق از هوس را کم‌نشدن عشق در اثر گذر زمان می‌داند و در این رابطه به سیره مجنون اشاره می‌کند که با تکیه بر

او با ارائه نظریه رمزگان‌های پنج‌گانه، قدم‌هایی معتبر برای کاربست مبانی نشانه‌شناسی جهت تحلیل متون برداشت و امکان پرداختن به نظرات جدید و قاعده‌پذیر را فراهم آورد. این رمزگان‌های پنج‌گانه که بارت بر آن تأکید دارد، همان کدهای زبانی هستند که نظام‌های دلالتی گوناگونی در بطن و متن آنها قرار دارد و درک و دریافت این عناصر از سوی مخاطب، به فهم و خوانش مطلوب‌تر وی از معنا کمک می‌کند. به عبارت دیگر، با به کار بستن رمزگان‌ها برای تحلیل یک متن، ضمن آنکه «امکان دسترسی به ساختارهای ثانویه از طریق ساختار ظاهری در روایت‌ها» ایجاد می‌شود (۳)، بستری مناسب برای ارائه تحلیلی دقیق از اهداف اولیه و ثانویه ادیب پدید می‌آید و متن تولیدی از زاویه‌ای جدید کاویده می‌شود.

با کاربست توضیحات رولان بارت در ارتباط با چهارچوب‌های رمزگان ارجاعی و فرهنگی، ابعاد جدیدی از کیفیت شعرسرای نظامی گنجوی در تشریح مسائل انسانی و اخلاقی برای مخاطبان آشکار می‌شود. همچنین، استفاده از قواعد مرتبط با این رمزگان مانع تشنگی آراء می‌شود و تحلیل‌هایی که در نهایت از این طریق مطرح خواهد شد، از دخالت نظرات شخصی، مصون می‌ماند. بنابراین، هدف و مسأله اصلی تحقیق حاضر این است که اغراض اولیه و ثانویه نظامی از بازگفت توصیه‌های اخلاقی محور در منظومه لیلی و مجنون با عنایت به این نظریه متقن و روشمند بازنمایی شود. سؤالات اصلی تحقیق حاضر عبارت است از: الف) بررسی و تحلیل ابیات لیلی و مجنون بر اساس مبانی رمزگان ارجاعی و فرهنگی چه تأثیری در بازنمایی آراء اخلاقی نظامی دارد؟ ب) مهم‌ترین منابع اثرگذار بر اندیشه‌های اخلاق محور نظامی چیست؟

بحث اصلی

مبانی نظریه رمزگان‌های رولان بارت: بارت، بازی دال‌ها را عاملی برای معناآفرینی و تولید مدلول می‌داند. او برای تبیین کیفیت نقش‌آفرینی دال‌ها به رمزگان‌هایی اشاره کرده است که توجه به آن باعث می‌شود تا خواننده هنگام مطالعه متن تولیدی، آن را به خوانه‌ها یا آحاد کوچک‌تر معنایی تقسیم کند و در گام بعدی، با نظم‌دهی مجدد خوانه‌ها، متن را بازسازی نماید. (۴) کاربست رمزگان در متن را باید روشی مطلوب جهت بازنمایی انتقال مفهوم‌های مختلف در الگوهای ارتباط کلامی دانست. این رمزگان‌ها در پنج دسته جای می‌گیرند که عبارتند از: الف) معنایی^۵؛ ب) هرمنوتیکی یا چیستانی^۶؛ ج) نمادین^۷؛ د) کنشی^۸؛ ه) فرهنگی و ارجاعی^۹. پس از کاربست این رمزگان‌ها در متن، ضمن آنکه نشانه‌ها به نظام‌هایی معنادار بدل می‌شوند، پیوند بین دال و مدلول نیز، برقرار می‌شود. (۵)

رمزگان فرهنگی و ارجاعی: یکی از دستاوردهای بارت که حاصل تحقیقات وسیع و جزئی‌نگر وی بوده، رواج اصطلاح «فرازبان» در علم نشانه‌شناسی است. فرازبان را باید گونه‌ای از گفتمان یا زبان انتقادی دانست که از طریق کاربست آن، تحلیل بخشی از فرم‌ها و ساختارها (۶) که صرفاً با ارجاع به بسترهای فرهنگی قابلیت واکاوی پیدا می‌کنند،

دکتر هوشمند اسفندیاریپور و همکاران: بررسی رمزگان ارجاعی و فرهنگی در آموزه‌های اخلاقی منظومه لیلی و مجنون نظامی...

بیابان می‌گذارد و عنان اختیار از کف داده، به ناگاه دست می‌زند و بی-
هدف به این سو و آن سو می‌دود. (۱۶) این توصیف به خوبی نشان می-
دهد که مصداق‌های عشق معنوی - که ریشه در امیال انسانی^{۱۵} ندارد-
تا چه اندازه باعث بریدن آدمی از قیود دنیایی می‌شود و حتی، در ظاهر
او را دیوانه نشان می‌دهد.

عشق آمد و کرد خانه خالی برداشته تیغ لابلالی
(۱۴)

از آتش عشق و دود اندوه ساکن نشدی مگر بر آن کوه
بر کوه شدی و می‌زدی دست افتان خیزان چو مردم مست
آواز نشنید برکشیدی بی‌خود شده سو به سو دویدی
وانگه مژه را پرآب کردی با باد صبا خطاب کردی
(۱۴)

ستایش حق تعالی و توسل به او

توسل^{۱۶} به معنای انجام دادن کاری برای نزدیک شدن به شخصی
است. (۱۸) در اصطلاح هم به معنی میانجی قرار دادن امور نیک و
شخصیت‌های صالح و مقرب نزد خداوند برای اجابت خواسته و دعا
است. (۱۹) در فرهنگ اسلامی خداوند به عنوان برترین و مقدس‌ترین
پدیده شناخته می‌شود. همه تلاش بانیان دین اسلام این بوده است که
راه رسیدن آدمی به خداوند را ساده‌تر کنند و بسترهای لازم را برای
رسیدن انسان ضعیف به درگاه ملکوتی حق تعالی فراهم نمایند. قطعاً
موجودی با کاستی‌های بسیار، نیازمند حمایت شدن از جانب نیرویی برتر
به نام خداوند است. مفهوم توسل با درک این ضعف‌ها شکل گرفته
است تا آدمی توان و انگیزه خود را برای ادامه مسیر زندگی از دست
ندهد.

نظامی هم بارها به مقوله توسل به خداوند اشاره کرده است. در منظومه
لیلی و مجنون، زمانی که عاشق خود را بی‌پناه و درمانده می‌بیند، روی
به درگاه حق تعالی می‌آورد و او را با صفاتی چون: «سرور زهره و
مشری»، «سرنامه جمله نام‌ها»، «عالم و محسن»، «بندگشا»، «دارای
وجود»، «برآورنده نیاز تهی‌دستان» و «حامی و پشتیبان انسان‌های
بلندمرتبه» می‌ستاید. هدف شاعر از بازگو کردن چنین وصف‌هایی تبیین
مقوله توسل به خداوند است و اینکه ذکر یاد حق منحصر و محدود به
طبقه‌ای ویژه نیست و شامل همه افراد می‌شود. شاعر به اجرام آسمانی
«زهره و مشری» اشاره می‌کند تا لایه‌های زیرین اندیشه خود را که
مبتنی بر آموزه‌های اخلاقی است، شرح دهد. در فرهنگ ادبی، این دو
جرم آسمانی نماد و نمودی از بزرگی و عظمت و محبوبیت هستند.
نظامی آگاهانه نام این دو سیاره را در شعر ذیل ذکر می‌کند و این دو را
غلام حضرت حق می‌خواند تا نشان دهد که حتی برترین پدیده‌ها هم
در برابر نام و بزرگی خداوند، پیشیزی نمی‌ارزند. عبارت رمزی «غلام»
نیز، در بازنمایی دون مرتبتی زهره و مشری در برابر جلال و جبروت
باری تعالی اثری برجسته دارد.

گفت ای در تو پناه‌گاهم در جز تو کسی چرا پناهم؟!
ای زهره و مشری غلامت سرنامه نام جمله نامت

عصر عشق نامش بلندآوازه شده است. بنابراین، در ساختار فکری^{۱۱}
نظامی، عشق حقیقی پدیده‌ای اخلاقی و زمینه‌ساز بالندگی رفتاری و
شخصیتی است. اصطلاحات عرفانی رمزگونه که در بیت‌های ذیل
بازنمایی شده است، این دیدگاه را تقویت می‌کند. به این معنی که شاعر
مفاهیمی چون: «جاودانگی، ابدالابد و معرفت» را در یک سو و «خیال،
زوال و شهوت» را در سوی دیگر ذکر می‌کند تا به واسطه این عبارات
متضاد^{۱۲} و تقابلی، لایه اصلی تفکر خود یعنی ارجحیت عشق حقیقی بر
مجازی را تشریح نماید.

عشقی که نه عشق جاودانی است بازیچه شهوت جوانی‌ست
عشق آن باشد که کم نگردد تا باشد ازین قدم نگردد
آن عشق نه سرسری خیال‌ست کو را ابدالابد زوال‌ست
مجنون که بلندنام عشق‌ست از معرفت تمام عشق‌ست
(۱۴)

با توجه به اهمیتی که عشق در نگاه مجنون دارد، زمانی که حس درونی
او را هوس و شور جوانی می‌خوانند، برمی‌آشوبد و بیان می‌دارد که به
واسطه زیبایی‌های عشق لیلی از هر عذر و بزه زمینی پاک شده و
خواسته‌های نفسانی از درونش رخت برکنده و خلاصه وجودش عشق
شده است. «نهایت غایت دوستی را در کمال خویش که عشق گویند،
حاصلش تلف اوصاف عاشق باشد که یکباره از نهمات خویش فارغ
گردد». (۱۳) بنابراین، با تکیه بر عشق معنوی^{۱۳} می‌توان درون خود را از
گناهان و کژاخلاقی‌ها مصون نگاه داشت و به تعالی و کمال حقیقی
دست یافت. واژه کلیدی «شاهنش» که در بیت ذیل آمده است، رمزی
از قدرت و شکوه است؛ زیرا شاه در سامانه سیاسی گذشته مقامی ورای
همه افراد جامعه داشته و دیگران به او اقتدا می‌کردند. نظامی با بهره-
گیری از ظرفیت‌های معنایی^{۱۴} این رمزگان، جایگاه عاشق را به خوبی
وصف کرده است.

مجنون ز حدیث آن نکورای از جای نشد، ولی شد از جای
گفتا چه گمان بری که مستم یاشیفته
هواپرستم

شاهنش عشقم از جلالت نابرده ز نفس خود خجالت
از شهوت عذرهای خاکی معصوم‌شده به غسل پاکی
ز آرایش نفس بازرسته بازار هوای خود شکسته
عشق است خلاصه وجودم عشق آتش گشت و من چو عودم
(۱۴)

در ساختار فکری نظامی، عشق نسبت به دیگر پدیده‌ها برتری دارد. او بر
این باور است که با آمدن عشق، خانه وجود او از هر چیزی خالی شده
است؛ زیرا با شمشیری که عشق در دست دارد، همه چیز را از بین می-
برد و تنها خودش ساکن دل می‌شود. در گستره تصوف اسلامی، «این
گونه عشق، در واقع عشق به کمال، و شیفتگی به جمال و طبیعتاً
آگاهانه است؛ زیرا تا آگاهی به جمال و کمال در کار نباشد، چنان
شیفتگی در کار نخواهد بود». (۱۵) شاعر در تأیید سخن خود، ماجرای
عاشق شدن مجنون بر لیلی را بازگو می‌کند و می‌گوید هنگامی که
مجنون به این عشق مبتلا می‌شود، از خود بی‌خود شده و سر به کوه و



را کم و بیش با همان الفاظ و تعابیر و مضامینی که در شعر غیرصوفیانه و غیردینی به کار می‌رفت، بیان می‌کرد ... و دقیقاً همین اشعار با همین الفاظ و تعابیر بود که شعر فارسی را متحول کرد و از برکت معانی که شعرا به این الفاظ دادند، افق‌های تازه‌ای در این الفاظ گشودند». (۲۵) بر این پایه، بدیهی است که باده مورد نظر شاعر با آنچه اوباش و مستان لایعقل می‌نوشند، یکی نیست و باده حقیقت در مسیر کمال شخصیت انسانی، یاریگر آدمی خواهد بود. بنابراین، «شراب» در شعر ذیل، رمزی از شادمانی است و مخاطب را به وجد و سرمستی عمیق دعوت می‌کند. ساقی به کجا که می‌پرستم تا ساغر می‌دهد به

دستم
آن می که چو اشک می زلال است در مذهب عاشقان
حلال است
در می به امید آن زخم چنگ تا بازگشاید این دل
تنگ
(۱۴)

نظامی جهان را سرشار از خوشی و شادمانی می‌داند و خطاب به دیگران می‌گوید از این کاهلی و سستی دور شوند و برخیزند و یاری سروقامت دربر گیرند و دمی و نفسی بیارامند. عمر گذران است و نباید چندان در قید و بند مظاهر بی‌ارزش آن بود. در نتیجه، تنها به اندازه‌ای باید از آن کام جوید که مایه شادی و راحت شود. شاعر همه این مصداق‌ها و راه‌ها را برای بهجت درونی^{۱۹} مطرح می‌کند تا در نهایت بر کیفیت سبک زندگی مخاطب وی افزوده شود. او با اطلاع درستی که از آثار مخرب اندوه بر وجود آدمی دارد، چنین روش‌هایی را برای شادی‌افزایی ارائه می‌دهد. استفاده از واژه‌های رمزی «شکر، سرو، چمن، لاله، سمن، آهو و نافه مشک» مجموعه‌ای از تصاویر شادی‌بخش و همراه با پویایی و انگیزه را در ذهن مخاطب پدیدار می‌سازد.

برخیز جهان خوش‌ست، برخیز پیش آر شکر به گل برآمیز
همخوابه سرو کن چمن را در رشته لاله کن سمن را
آن آهوی نغز را به شست آر وان نافه مشک را به دست آر
(۱۴)

هدفمند بودن آفرینش

نظامی بر این باور است که در هستی هرچه در وجود آمده، سرگرم پرستش خداوند است و به طرز هدفمند او را می‌ستاید. «حکیم نظامی به رد اسباب و وسایط آفرینش می‌پردازد و هرچه روی می‌دهد، همه را صنع صانع و فعل حق می‌داند». (۲۱) شاعر باور دارد که زمین و آسمان و هرچه در آن دو وجود دارند، دارای برنامه و هدفی مشخص هستند که از سوی خداوند طراحی شده است. «ذره» را در شعر ذیل باید رمزی از بی‌ارزش‌ترین و کوچک‌ترین پدیده دانست. نظامی با کاربست این واژه در پی بازنمایی این مهم است که حتی کم‌بهارترین پدیده‌ها هم با این هدف که خداوند را ستایش کنند، به حیات خود ادامه می‌دهند. در سطح بعدی تحلیل باید چنین گفت که شاعر پس از بازنمایی این مفهوم، به صورت غیرمستقیم به مخاطبان خود می‌گوید که آنها به عنوان اشرف مخلوقات، قطعاً رسالت اخلاقی سنگین‌تری را برعهده دارند و نباید از

ای علم تو بیش از آنکه داند و احسان تو بیش از آنکه خواند
ای بندگشای جمله مقصود دارای وجود و داور جود
ای کاربر آرو بلندان نیکوکن کار مستمندان
(۱۴)

نظامی به مثابه غالب سرایندگان فارسی‌زبان مقدمه سروده‌ها و آثار خود را با یک قاعده ثابت آغاز کرده و آن ستایش حق تعالی است؛ زیرا عقیده دارد که با این آغاز منظومه‌اش مبارک و پربار خواهد شد. شاید دلیل گزینش چنین مقدمه‌ای آن باشد که «آثار [فارسی حوزه ادبیات تعلیمی]^{۱۷} متأثر از قرآن و حدیث و منابع اسلامی دیگر» هستند. (۲۰) هدف نظامی از بازگفت چنین توصیفاتی این است که مخاطبان خود را به این آموزه تعلیمی^{۱۸} ترغیب کند و به آنها یادآور شود که با تکیه بر نیروی برتر و بالاتر می‌توانند بر هر دشواری غلبه کنند و به رشد و تعالی دست یابند. (۲۱) این یاد خداوند است که همواره مونس آدمی است و شبیه به کلیدی (رمزگان) است که قفل‌ها (گرفتاری‌ها و بحران‌ها) را می‌گشاید.

ای نام تو بهترین سرآغاز بی نام تو نامه کی کنم باز
ای یاد تو مونس روانم جز نام تو نیست بر زبانم
ای کارگشای هرچه هستند نام تو کلید هرچه بستند ...
ای هست نه بر طریق چونی دانای برونی و درونی
(۱۴)

توصیه به شادباشی و غنیمت‌شماری لحظه‌ها

نظامی شادی را پدیده‌ای اخلاقی و بایسته می‌داند. او به قدری برای لذت بردن از دقایق زندگی ارزش قائل است که در همه آثار خود به این مهم می‌پردازد. «نظامی تنها شاعری است که عقیده دارد مایه شعر، شادمانی است». (۱) بر این پایه، بارها در منظومه لیلی و مجنون از مخاطبان خود خواسته است که از شادی غافل نشوند.

منشأ این طرز فکر نظامی گنجوی را باید در مبانی اسلامی جستجو کرد؛ چراکه در احادیث گوناگون بر اولویت شادی بر غم و برتری مؤمن شادمان بر ترشرو تأکید شده است. در واقع، دستگاه دین سعی کرده است با احادیثی از جمله: «خداوند نفرت دارد از ترشروی فرد در چهره بردارش» (۲۲)؛ «مؤمن، شوخ و سنگ است و منافق، ترشرو و خشمگین» (۲۳)؛ «شادی، روح را باز می‌کند و نشاط را برمی‌انگیزد» (۲۴)؛ «کسی که سرورش اندک باشد، آسودگی او در مرگ است» (۲۵) و ... فرهنگ و گفتمان اخلاقی شادی را در بین باورمندان به اسلام جانمایی کند.

با نظر داشت این احادیث، نظامی دفع غم و اندوه را مهم می‌داند. او شراب را چون اشک چشمان زلال دانسته و عقیده دارد که در مذهب و مرام عاشقان، نوشیدن باده، حلال است. شاعر به این امید باده می‌نوشد که شاید دل تنگ او به ساحل آرامش و سرخوشی برسد و از کمین عقاب روزگار جان به در برد. نظامی چنین باده‌ای را گره‌گشای مشکلات و سازگار با روح و جان آدمی می‌داند. «اشعار خاص صوفیانه فارسی، اشعاری بود که ارباب معانی در بیان احوال و مواجید و حقایق معنوی سرودند ... خصوصیت بارز این قبیل اشعار این بود که شاعر مقاصد خود

دکتر هوشمند اسفندیاریپور و همکاران: بررسی رمزگان ارجاعی و فرهنگی در آموزه‌های اخلاقی منظومه لیلی و مجنون نظامی...

شخصیت افراد دارد. از این‌رو، در وادی عرفان از صبر به عنوان مقامی عرفانی یاد شده است. (۲۸)

نظامی هم بارها مخاطبان خود را به بردباری سفارش داده است. او در اثناي منظومه لیلی و مجنون چنین بیان می‌دارد که اهل صبر از دولت الهی بهره‌مند می‌شوند. آنچه در این فرآیند اخلاقی اهمیت دارد این است که رسیدن به دولت معنوی با تکیه بر بردباری، به صورت تدریجی خواهد بود.

دولت سبب گره‌گشایی است پیروزة خاتم خدایی است ...
گر صبر کنی به صبر بی‌شک دولت به تو آید اندک‌اندک
(۱۴)

نظامی گاهی از موارد، منظور خود را به صورت تمثیلی بازگو می‌کند تا ذهن مخاطب از دریافت مستقیم مفاهیم اخلاقی دچار سامت و دلزدگی نشود. در شعر ذیل، واژه‌های «دریا، قطره، جوی، کوه، ابر، خاک و گوهر» در معنای غیرواقعی خود به کار رفته‌اند و شاعر به واسطه کاربست آن، آثار مطلوب بردباری را تبیین کرده است:

دریا که چنین فراخ‌روزی است پالایش قطره‌های جوی است
و آن کوه بلند کابرناک است جمع آمده ریزه‌های خاک است
هان تا نشوی به صابری سست گوهر به درنگ می‌توان جست
(۱۴)

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، کیفیت رمزگان ارجاعی و فرهنگی در ارتباط با آموزه‌های اخلاقی مندرج در لیلی و مجنون بر اساس آراء رولان بارت بررسی و کاویده شده است تا ظرفیت‌های اندرزی و اخلاقی این اثر بازنمایی شود. نظامی سعی کرده است با استفاده از مصادیق دینی و عرفانی معتبر، بر اعتبار سخنان اخلاقی و اندرزی خود بیفزاید و فرآیند اقناع مخاطبان را نسبت به روایی و باورپذیری سخنان خود سرعت بخشد. علاوه بر این، اصلی‌ترین رمزگان فرهنگی که در این اثر دیده می‌شود، تقابل و ستیز ذاتی میان نیکی و بدی است که در قالب مصداق‌هایی چون: سفارش به عشق‌ورزی و بازگفت شاخصه‌های عشق حقیقی؛ ستایش حق تعالی و توسل به او؛ توصیه به شادباشی و غنیمت‌شماری لحظه‌ها؛ هدفمند بودن آفرینش؛ اهمیت وفاداری و لزوم حفظ پیمان؛ صبر و بردباری بازنمایی شده است.

نظامی نگاهی معنوی به عشق دارد و آن را مایه کمال آدمی می‌داند. از این‌رو، با بیانی رمزی، مفاهیمی چون: «جاودانگی، ابدالابد و معرفت» را در یک‌سو و «خیال، زوال و شهوت» را در سوی دیگر قرار می‌دهد تا با ایجاد فضایی تقابلی، عشق حقیقی را بر عشق برتری دهد. در ارتباط با آموزه توسل به حق تعالی، نظامی سیاره مشتری و زهره را که نمود و مصداق بزرگی و مقبولیت هستند در برابر نام خداوند قرار می‌دهد و از این دو با عنوان «غلام» یاد می‌کند تا فاصله بزرگی و مجد الهی را در برابر برتری و بزرگ‌ترین پدیده‌های عالم هستی نشان دهد. مقوله اخلاقی دیگر، دعوت به شادباشی است که نظامی از رمزگان «شراب و

وظیفه خود غافل شوند. در واقع، هدف اصلی آفرینش هستی این بوده است که باری تعالی ستایش شود و بزرگی ذات او آشکار گردد.

در راه تو هر که را وجودی ست مشغول پرستش و سجودی ست
بر طبل تهی مزن جرس را بیکار مدان نوای کس را
هر ذره که هست، اگر غباری ست در پرده مملکت به کاری ست
این هفت حصار برکشیده بر هزل نباشد آفریده
وین هفت رواق زیر پرده آخر به گزاف نیست کرده
(۱۴)

اهمیت وفاداری و لزوم حفظ پیمان

عدم وفای به عهد و پیمان‌شکنی^{۲۰} امری ضداخلاقی و کنشی مذموم در همه فرهنگ‌های بشری است. این موضوع به قدری اهمیت دارد که در قرآن، صفت پیمان‌داری برای خداوند ذکر شده است. در واقع، خداوند با استناد به رعایت عهد یا نقض آن، تفاوت میان مؤمن و مشرک را مشخص می‌کند. در احادیث اسلامی هم بر حفظ پیمان تأکید فراوانی شده است. پیامبر اسلام (ص) در این باره گفته‌اند: «نزدیک‌ترین شما به من در قیامت، راستگوترین، اماندارترین، وفادارترین به عهد، خوش-اخلاق‌ترین و نزدیک‌ترین شما به مردم است». همچنین، از امام علی (ع) نقل شده است: «هیچ یک از فرائض الهی همانند وفای به عهد نیست». (۲۶)

با توجه به اهمیت موضوع، نظامی بارها در منظومه لیلی و مجنون از جمله در اثناي گفتگوی مجنون و نوفل به ارزش و قداست وفای به عهد و نکوهش نقض پیمان پرداخته است. شاعر، از زبان شخصیت‌های داستانی خود بازگو می‌کند که آدمی با همه داشته‌ها و با تمام توان باید از سوگندی که بر زبان می‌آورد، دفاع کند. پیر گنجه شکستن عهد را امری شوم و نامبارک می‌داند و آدمی را از انجام آن برحذر می‌دارد. از این‌رو، تمثیل و رمز «گرگ و شیر» را برای تبیین رویکرد خود به کار می‌گیرد. او باور دارد که برای حفظ عهد، آدمی باید چون شیر بکوشد و از پیمان در برابر موانع موجود دفاع کند. جالب آن است که استفاده از عناصر دینی و ایدئولوژیک در اعتبار بخشیدن به سوگندها و پیمان‌ها امری مرسوم و بدیهی بوده است که این موضوع نشان از جایگاه دین در باور مردم دارد.

میثاق نمود و خورد سوگند اول به خدایی خداوند
وانگه به رسالت رسولش که ایمان‌ده عقل شد قبولش
کز راه وفا به گنج و شمشیر کوشم نه چو گرگ، بلکه چون شیر
(۱۴)

فرخ نبود شکستن عهد اندیشه کن از شکستن مهده
(۱۴)

صبر و بردباری

مبانی دینی، مؤمنان را به شکیبایی در زمان خشم دعوت کرده‌اند. از دید اهل عرفان و معرفت نیز این پدیده اخلاقی مورد سفارش قرار گرفته است. چنانکه مؤلف تذکره لالیبا از زبان عارفان برجسته به این مهم اشاره می‌کند که هر کس بر خدای صبر کند، وصلت میان او و باری تعالی قطعی خواهد بود. (۲۷) صبر اثری مطلوب در رشد و تعالی

Institute of Cultural Studies and Research. (In Persian)

3. Scholes R. (2019). An introduction to structuralism in literature. Translated by: Taheri F. Tehran: Ad. Publication. (In Persian)
4. Color J. (2009). In search of signs. Translated by Sadeghi L, Amrollahi T. Tehran: Alam Publication. (In Persian).
5. Chandler D. (2018). Fundamentals of semiotics. Translated by Parsa M. Tehran: Institute of Islamic Culture and Art. (In Persian).
6. Trifonas P. (2019). Barthes and the empire of signs. UK and USA: Icon Books and Totem Books.
7. Barthes R. (2015). Elements of semiology. Translated by Lavers A, Smith C. Paris: Editions du Seuil.
8. Sojudi F. (2018). Applied semiotics. Tehran: Alam. (In Persian)
9. Bart R. (2019). From work to text. Translated by Farhadpour M. Arghanoo Magazine. (In Persian).
10. Barthes R. (2015). Introduction to the structural analysis of narrative. Translated by Richard Howard & Richard Miller, New York: Hill and Wang.
11. Mohseni S. (2012). Study of mystical aspects in Layli and Mehnun Nezami and its comparison with Attar's tragedy. Research Journal of Lyrical Literature; 10(18). (In Persian)
12. Daliri Malvani E. (2020). Ganjeh's speaker and his imitators. Tehran: Taati. (In Persian)
13. Goharin S. (2019). Description of Sufism terms. Tehran: Zavar. (In Persian)
14. Nezami Ganjahai Y. (2014). Lily and Majnoon. edited by Vahid Dastgerdi. Tehran: Armaghan. (In Persian).
15. Forouhar N. (2008). Karnameh Suf. Tehran: Afkar. (In Persian)
16. Chaldereh T, Ahmadi F. (2018). The effect of love on human perfection from the perspective of Ibn Fariz and Rumi. Quarterly Journal of Persian Language and Literature, Islamic Azad University of Mashhad. (In Persian)
17. Ansari KA. (2018). Manajatnameh. edited by Rahim Fazli. Bijar: Bina. (In Persian).
18. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram. (2015). Arabic language. Beirut: Dar Sader. (In Arabic)
19. Sobhani J. (2015). Al-Tawassul: its concept, division and wisdom in Islamic Sharia. Qom: Musharraf. (In Persian)
20. Musharraf M. (2020). Essays in Iranian educational literature. Tehran: Sokhan and Shahid Beheshti University. (In Persian)
21. Sadeghi R. (2010). The manifestation of mysticism in ganja'i military thought. Mashhad: Payvand Cultural Institute. (In Persian)
22. Qaisari H, Mehrienejad R. (2015). Hafez's influence on the military in moral and educational teachings. Journal of Educational Literature; 7(26). (In Persian).

باده» استفاده می‌کند تا به مخاطبان خود یادآور شود که همواره باید در فکر تقویت عنصر شادمانی در خود باشند. مفهوم اخلاقی دیگر، هدفمندی خلقت است. در بازنمایی این مفهوم استفاده از رمز «ذره» کاملاً مؤثر بوده است؛ زیرا رمزی از بی‌ارزش‌ترین و کوچک‌ترین پدیده است. نظامی چنین می‌گوید که حتی کم‌بهارترین پدیده‌ها هم با این هدف که خداوند را ستایش کنند، به حیات خود ادامه می‌دهند. مقوله اخلاقی دیگر، وفای به عهد است که با تمثیل و رمزگان «گرگ و شیر» در منظومه لیلی و مجنون بازنمایی شده است. نظامی گرگ را رمزی از پیمان‌شکن‌ها و شیر را رمزی از وفاداران به عهد می‌داند. در ارتباط با شاخصه اخلاقی بردباری هم باید گفت که شاعر اهل صبر را برخوردار از دولت الهی می‌داند. در واقع، دولت، رمزی از شکوه و تعالی است که البته ماهیتی معنوی و الهی دارد که در این صورت، اعتبار بیشتری خواهد داشت.

ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه نامه

1. Interpersonal links	پیوندهای بین فردی
2. Intellectual richness	غنای فکری
3. Content enhancement	تقویت محتوایی
4. Semiotics	نشانه شناسی
5. Semantic	معنابنی
6. Hermeneutic	هرمنوتیکی یا چپستانی
7. Symbolic	نمادین
8. Action Narrative	کنشی
9. Referential	ارجاعی
10. Intertext	میان‌متنیت
11. Intellectual structure	ساختار فکری
12. Contrasting expressions	عبارات متضاد
13. Spiritual love	عشق معنوی
14. Semantic capacities	ظرفیت‌های معنایی
15. Human desires	امیال انسانی
16. Appeal	توسل
17. Didactic literature	ادبیات تعلیمی
18. Teaching instruction	آموزه‌های تعلیمی
19. Inner happiness	بهجت درونی
20. breaking a promise	پیمان شکنی

References

1. Jafari Langroudi M J. (2019). The secret of iran's survival in military speech. Tehran: Ganj-e-Danesh Library. (In Persian)
2. Rashdmohsal MR. (2018). Beams from the military love letter. collection of cultural articles. Tehran:

- Kermani. Ethics in Science and Technology; 14(3): 15-21. (In Persian)
27. Nasrasfahani N, Tanhaei A, Adhami A, Homayoun Sepehr M. (2022). The role of ethics in the cognitive and sociological analysis of traditional oral stories (folk tales) of the popular culture of Isfahan province. Ethics in Science and Technology; 16(4) :1-9. (In Persian)
28. Rakaei F. (2019). Ethics in Poetry. Ethics in Science and Technology; 9(3): 1-10. (In Persian)
23. Ibn Shuba H. (2015). The gift of the minds. 7th edition. Qom: Dar al-Hadith Cultural Institute. (In Persian)
24. Tamimiyya Amadi AW. (2016), Gharr al-Hakam wa Darr al-Kalam, by Seyyed Baqir Mir Abdullahi. Qom: Dar al-Hadith Cultural Institute. (In Persian)
25. Majlisi MB. (2018). Baharalanvar. 4th edition. Tehran: Islamieh. (In Persian)
26. Safarinejad H, Halabi A. (2020). The place of the philosophy of praise and glorification in the creation of moral and social criticism in the generalities of Saadi and the court of Khajavi